

اهونور، نخستین آفریده

فاطمه سیدی*

چکیده

نیایش "یثا‌ه‌ووئیریو / اهنور" (yaθ ā ahū vairiō / ahunawar) مقدس‌ترین و شاید باستانی‌ترین نیایش زردشتیان است که احتمالاً پیش از بازنویسی اوستا در دوران ساسانی، درآمدی بر گاهان بوده است. این قطعه منظوم ویژگی‌های کنایی گاهان و سنگینی معانی آن را دارد و در وزن همانند "اهونودگاه" سروده شده است، ولی در اوستای کنونی، بند سیزدهم از یسن بیست و هفتم است. دعای اهنور از جهت درون‌مایه در بردارنده معانی ژرف و از جهت لفظی دارای معانی کنایی و استعاری دقیقی است که دریافت درست آن را دشوار می‌سازد. در گفتار پیش رو کوشیده شده این نیایش با در نظر داشتن پژوهش‌های پیشین، و براساس مفاهیم اوستای گاهانی و جدید، و نیز با تکیه بر متون پهلوی، بویژه فرگرد نخست "بغ نسک"، که در برگیرنده بخش اعتقادی دینکرد نهم بوده و تاکنون کمتر مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است، بررسی شود. بغ نسک یکی از نسک‌های اوستای دوره ساسانی است که هر چند متن اوستایی آن باقی نمانده است، خلاصه‌ای از مطالب آن براساس دریافت مولف دینکرد، در دینکرد نهم آمده است. "بغان یشت" نیز که در بردارنده سه یسن ۱۹، ۲۰ و ۲۱ اوستاست، قدیمی‌ترین تفسیری است که به زبان اوستایی از سه دعای مهم زردشتی برجای مانده است.

کلید واژه

اهونور - یثا‌ه‌ووئیریو - بغان یشت - بغ نسک - دینکرد نهم.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری گزارنده با عنوان «بررسی بغ نسک از کتاب نهم دینکرد» به راهنمایی دکتر محمد تقی راشد محصل در دانش‌گاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است. دانش‌آموخته دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانش‌گاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.
تاریخ رسید: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۴

مقدمه

کتاب نهم دینکرد در بردارنده سه نسک (=کتاب) اوستای دوره ساسانی یعنی "سوتگرنسک"^۱، "ورشت مانسرنسک"^۲ و "بغ نسک"^۳ است. از این سه نسک، بغ نسک که تاکنون به فارسی ترجمه نشده، به مسایل اعتقادی دین زردشتی پرداخته است. عنوان سه فرگرد نخست از بغ نسک به ترتیب "اهونور"، "اهلایی / اشم وهو" و "ینگهه هاتام" است که نام سه دعای مهم زردشتی است و در اوستای کنونی به ترتیب در بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ یسن بیست و هفتم جای دارد.

متن گاهان همواره در تألیف آثار فارسی میانه بویژه دینکرد، مورد توجه موبدان بوده و بنظر می‌رسد غالباً برداشت‌های خود را مستقیم یا غیرمستقیم بر داده‌های گاهان متکی کرده‌اند. بغ نسک از نسک‌های مهم دینکرد نهم است که بوضوح به بندهایی از گاهان اشاره دارد. در نخستین فرگرد از بغ نسک، نویسنده دینکرد به بیان برداشت و تفسیر خود از اهونور (بند ۱۳ از یسن ۲۷) پرداخته است؛ بدیهی است که به هنگام نگارش متن، اوستا و زند یسن ۱۹ را نیز در نظر داشته و دریافته‌ها و تفاسیر خود را بیان کرده است؛ هر چند برگردان و تفسیر پهلوی این یسن مانند تمام تفاسیر پهلوی بجا مانده از متون اوستایی، درست مطابق متن نیست.

"بغان یشت"^۴ که در بردارنده سه یسن ۱۹، ۲۰ و ۲۱ اوستاست، قدیمی‌ترین تفسیری است که به زبان اوستایی از سه دعای «یثاهووئیریو^۵، اشم وهو^۶ و ینگهه هاتام^۷» بجا مانده است. بغان یشت امروزی بازمانده "بغ نسک" است که سومین نسک از بیست و یک نسک اوستای دوره ساسانی بوده است.

پیشینه تحقیق

متن اوستایی یثاهووئیریو ترجمه‌هایی بسیار به زبان‌های خارجی دارد که از آن میان می‌توان ترجمه دارمستتر^۸ (۱۸۸۳: ۱۹۸)، ولف^۹ (۱۹۱۰-۶۴)، رایشلت^{۱۰} (۱۹۱۱: ۷۳ و ۱۷۳)، کلنز^{۱۱} (۱۹۸۸: ۱۰۱) و هومباخ^{۱۲} (۱۹۹۴: ۱۹) را نام برد که اساس کار همه آن‌ها در ترجمه، متن ویراسته گلدنر^{۱۳} (۱۸۸۹، ج ۱: ۹۵) بوده است، اما به جرأت می‌توان گفت که هیچ یک از این ترجمه‌ها بر یک‌دیگر منطبق نیست. متن زندان آن را دابار^{۱۴} در خرده اوستا بچاپ رسانیده است. به زبان فارسی پورداوود (۱۳۱۰: ۵۵، ۵۶)، ابوالقاسمی (۱۳۷۵: ۴۰)، عالیخانی (۱۳۷۹: ۱۴۸) نیز ترجمه‌هایی از این داده‌اند. میرفخرایی (۱۳۸۲) در "بغان یسن" یثاهووئیریو را همراه با

یسن ۱۹ و زند آن به فارسی برگردانده و بررسی واژگانی کرده است. گزارنده در نگارش این گفتار از آن بهره بسیار برده است.

آن چه در بغ نسک آمده گر چه با متن زند غالباً هم‌خوانی دارد، اما تفاوت‌هایی نیز در آن مشهود است که اقتضا می‌کند ترجمه‌ای درست از دینکرد نهم در دست باشد. از این متن تاکنون ترجمه‌ای به فارسی انتشار نیافته است. متن پهلوی آن در دینکرد مدن^{۱۵} (فرگرد نخست بغ نسک: ص ۸۷۳ س ۷- ص ۸۷۶ س ۱۲) و سنجانا^{۱۶} (۱۹۲۸، ج ۱۸: ۵۸-۶۴)، دست‌نویس J5 (ص ۴۳۰ س ۱۵- ص ۴۳۵ س ۵)، دست‌نویس D10 (ص ۵۹۱ س ۹- ص ۵۹۳ س ۴) و دست‌نویس B (ص ۵۸۷) آمده است. نگارنده در این گفتار ترجمه فارسی بغ نسک را براساس مقایسه دست‌نویس‌ها و نسخه‌های چاپی فوق ارائه داده است. شماره‌گذاری بندها مطابق با متن سنجانا است.

اهونور در اوستا و متون میانه

Ahunawar برگرفته از ahū vairiīō: هستی / سرور برگزیدنی، نخستین واژه‌های بند سیزدهم از یسن ۲۷ است. گرچه متن آن در اوستای کهن نیامده، مقدس‌ترین و شاید باستانی‌ترین نیایش زردشتیان (بویس ۱۳۷۴: ۳۵۹) بشمار می‌رود. احتمالاً یثا‌هووئی‌ریو در آغاز یسن ۲۸ قرار داشته، زیرا به لحاظ وزنی مشابه با "اهونودگاه" (ahunavaitī gāθā) سروده شده است.

قطعه اهنونور دارای ۲۱ واژه است. به گفته دینکرد اهوره مزدا ۲۱ نسک اوستا^{۱۷} را به تعداد کلمات اهنونور فرو فرستاد چون اهنونور بنیاد دین و دانش^{۱۸} است. این قطعه منظوم، از سه بیت (afsmān) تشکیل شده است. هر بیت آن ۱۶ هجا دارد. ۷ هجا از آن در مصراع (pada) اول و ۹ هجا دیگر در مصراع دوم است. (ابوالقاسمی ۱۳۸۳: ۸) فصل ۲۸ وزیدگی‌های زادسپرم (راشد محصل ۱۳۸۰: ۷۶، ۷۵) درباره تقسیم کتاب اوستا براساس اهنونور، چنین می‌گوید:

۱. اهنونور به سه پیمان (= بیت) بخش شد. گاهان نیز سه بخش دارد که سه گاه، چهار گاه و پنج گاه است. نسک‌ها نیز در سه بخش گاهانی، هادمانسری و دادی است.
۲. اهنونور به شش نیم گاه (= مصراع) بخش شد. گاهان نیز شش بخش است. اهنونودگاه، اشتودگاه، سپندمدگاه، وهوخشترگاه، وهیشتاوایشتگاه و هفت‌ها.^{۱۹}
۳. اهنونور ۲۱ واژه دارد. گاهان نیز ۲۱ یسن (از "یانیم من" تا "ایریمن")^{۲۰} دارد. تعداد نسک‌ها نیز ۲۱ بوده است.

اهوره مزدا این نیایش را به فروشی زردشت آموخت و زردشت پس از آن که در

دنیای مادی زاییده شد، آن را به مردم تعلیم داد. (بویس ۱۳۷۴: ۳۶۰) مطابق با دینکرد (فرگرد دوم ورشت مانسر نسک) اهوره مزدا به زردشت این گونه خطاب می‌کند: «مرا دوست دار ای زردشت به عنوان اهو و رد چنان که تو خود اهومند و ردمند هستی.» (تفضلی ۱۳۴۵: ۱۱۵)

یسن ۱۹ (بند ۴-۱) از "بغان یشت" که در تفسیر یثااهوئیریو در اوستای جدید تدوین شده است، به پرسش و پاسخ زردشت و اهوره مزدا در مورد اهورنور اشاره مستقیم دارد.

در روایات داراب هرمزدیار درباره اهورنور آمده است: «یثااهوئیریو در فصل رادی و سخاوت کردن است؛ چه سر دین به مزدیسنی، راستی است و سپس رادی. و هیچ چیز بهتر از این دو کرفه نیست.» (اونوالا ۱۹۲۲: ج ۱، ۲۲)

اهونور دستور دینی رازگونه‌ای است که ویژگی‌های جادویی دارد. (هومباخ ۱۹۹۱، ج ۲) بنا بر بندهش سه هزار سال پس از آفرینش مینوی و به هنگام تازش اهریمن، هرمزد اهورنور را فراز سرود: «چون هرمزد یثااهوئیریوی بیست و یک واژه‌ای را بخواند، فرجام پیروزی خویش و از کار افتادگی اهریمن و نابودی دیوان و رستاخیز و تن پسین و بی‌پتیارگی جاودانه آفریدگان را به اهریمن نشان داد. اهریمن، چون از کار افتادگی خویش و نابودی همه دیوان را دید، گیج و بی‌حس شد و به <جهان> تاریکی باز افتاد.» (بهار ۱۳۷۵: ۳۴)

مطابق با روایات داراب هرمزدیار «دادار اورمزد به زردشت فرموده است که یثااهوئیریو "زُدار دیوان" است و پاسبان تن.» (اونوالا ۱۹۲۲: ۱۴) از این رو هنگامی که «... در ایرانشهر < زردشت پرهیزگار، اهورنور فراز سرود؛ همه دیوان اندر زمین نهان شدند > زیرا < که کالبد ایشان بشکست. >» (راشد محصل، دینکرد هفتم ۱۳۸۹: ۲۳۸) در جای دیگر تأثیر این دعا را نه فقط برای ایرانیان بلکه برای همه مردم می‌داند: «نه تنها اندر ایران‌شهر برای ایرانیان، بلکه در هر بوم (= سرزمین) و برای انواع < مردم > شکستن کالبد دیوان با فراز سرودن اهورنور < به وسیله > زردشت آشکار شد.» (راشد محصل، دینکرد هفتم ۱۳۸۹: ۲۳۷)

به گفته دینکرد هنگامی که هدیش (= ایزد نگهبان خانه و چراگاه) از مشی و مشیانه درست کردن نان از دانه را خواست، برای باز ایستادن دیوان دو بار اهورنور را سرود. (راشد محصل، دینکرد هفتم ۱۳۸۹: ۱۹۹)

یسن ۶۱ درباره تأثیر یثااهوئیریو (ونیز اشم وهو و ینگه هاتام) برای پای‌داری در مقابل آزار اهریمن و ناپاکان سروده شده است: «یثااهوئیریو را همی خوانیم اندر

زمین و آسمان ... از برای برانداختن و راندن کشندگان مرد پاک و دشمنان مرد پاک؛ از برای برانداختن و راندن آشموغ و فرمان‌گزار ناپاک پراسیب، از برای برانداختن و راندن هر دروند نادرست اندیش، نادرست گفتار، نادرست کردار، ای سپیتمان زردشت.» (پورداد ۱۳۴۰ ج ۲: ۷۹)

مطابق با دینکرد هفتم: «هنگامی که ضحاک به جادویی در بابل چند چیز شگفت‌آور ساخته بود و مردم فریب آن‌ها را خورده و به بت‌پرستی روی آورده بودند و تباهی جهان <ناشی از> آن‌ها بود، با آن سخن‌پیروزی بخش دین (= اهنور) که زردشت علیه آن جادوگری برخواند، همه نابود و بی‌اثر شدند.» (آموزگار، تفضلی ۱۳۸۴: ۹۷)

و نیز زمانی که دروجان، بت دیو و سیز نهان روش فریفتار از سوی اباختر به سوی زردشت تاختند، زردشت اهنور را فراز سرود، آنان گیج شده و بازگشتند. (راشد محصل، دینکرد هفتم ۱۳۸۹: ۲۳۷)

بنا بر یشت ۱۷ بند ۲، اهریمن از یثااهوئیریو چنین شکایت می‌کند: «او (= زردشت) مرا با یثااهوئیریو، با سلاحی به سنگینی یک سنگ، به بزرگی یک خانه می‌زند.» دینکرد هفتم (فرگرد ۴ بند ۴۱) نیز در این باره می‌گوید: «زردشت پرهیزکار سنگی فراز داده به دست داشت که اندازه‌خانه‌ای بود، که <آن را> از دادار اورمزد یافته بود، مینوی یثااهوئیریو بود.» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

در فصل نخست وزیدگی‌های زادسپرم (راشد محصل ۱۳۸۰: ۷۵، ۷۶) اورمزد به وسیله اهنور سه ویژگی را به اهریمن نشان می‌دهد:

۱. هر آن چیز نیک است، که خواست اورمزد است. از این پیداست چیزی که خواست اورمزد نیست، از اصل «وای بد گوهر»^{۲۱} است.
۲. کسی که آن کند که خواست اورمزد است، آن گاه مزد و پاداش از آن اوست.
۳. خدایی اورمزد را آن کس افزایش دهد که بلا را از درویشان دور گرداند.

یسن ۵۷ بند ۲۲ اهنور را به عنوان سلاح پیروزمند سروش می‌شناسد. (راشد محصل ۱۳۸۲: ۵۹) هم‌چنان که مطابق با فرگرد یکم هادخت نسک: «با گفتن آن اهنور فراز گفته شده به وسیله دستور <دینی>، نیرومندی و پیروگری روان و دین افزوده شود. (میرفخرایی ۱۳۸۶: ۱۳۹)

فصل نوزدهم شایست ناشایست (بند ۴۰) در اهمیت اتحاد و یک‌پارچگی دین و اهنور می‌گوید: «دین با اهنور چنان پیوسته است، چونان که موی با فره روی، <و> پیوسته‌تر <از آن> هیچ نیست؛ زیرا که <در هنگام> مویی را <از> فره روی جدا کردن، <آن موی> بریده شود. (مزدآپور ۱۳۶۴: ۳۳۸)

هنگامی که امشاسپندان به خانه گشتاسب وارد شدند، به او گفتند: «اهونور را بسرای و بستای برترین پرهیزکاری (= اشم وهو) را و ستایش نکردن دیوان را بگوی (= اعلام کن) چه کامه اورمزد از تو <این است> که بر افرازنده این دین <باشی>. (راشد محصل، دینکرد هفتم ۱۳۸۹: ۲۴۴)

مینوی خرد (تفضلی ۱۳۵۴: ۴۶) سودمندی گشتاسب بر دین مزدیسنی را چنین برمی‌شمارد: «از گشتاسب این سودها بود مانند پذیرفتن و پرستش دین به مزدیسنان بنا بر گفتار بغان اهنور، سخن آفریدگار اورمزد، و تباہ کردن و شکستن کالبد دیوان و دروجان و ...»

اهونور به همراه "اشم وهو" نخستین بخش "خرده اوستا" است که "پیرامون یشت" نامیده شده است؛ شاید به سبب آن که این دو بند در همه بخش‌های اوستا آمده است. (ابوالقاسمی ۱۳۷۶: ۳۹) به هنگام خواندن هر یک از هفت گاه اهنود (یسن ۳۴-۲۸)، اهنور باید چهار بار تکرار شود. (پورداوود ۱۳۷۸: ۱۲۲) به این دستور در ابتدای زند یسن ۱۹ چنین اشاره شده است: «قطعه چون اهوکامه ... (= دعای اهنور) را چهار بار [از پای (= ایستاده) به بانگ بلند] باید گفت.» (میرفخرایی، ۱۳۸۲: ۱۰۹)

احتمالاً اهنور پیش از بازنویسی اوستا در دوران ساسانی، درآمدی بر گاهان بوده است. زردشتیان دین‌دار روزانه و به دفعات آن را بر زبان می‌رانده‌اند، اما بر رمز و راز نهفته در آن گاهی نداشته‌اند. (میرفخرایی، ۱۳۸۲: ۷) فرگرد یکم سوتگرنسک^{۲۲} (تفضلی ۱۳۴۵: ۳) درباره نیرو و پیروزی که از گفتن یثااهوئیریو بدست می‌آید، سخن می‌گوید و تأثیر و تفضیل این دعا را در مواقع مختلف برمی‌شمارد.^{۲۳}

ظرافت اندیشه‌های زردشت که در این نیایش آمده چنان حیرت‌انگیز و معنادار است که توافق درباره معنای دقیق این سرود مقدس را دشوار می‌سازد. (بویس ۱۳۷۶: ۳۶) نماز "خشنومن"^{۲۴} که پیش از گاهان خوانده می‌شود، به پیچیدگی مفاهیم دو مصراع نخست اهنور، اقرار دارد: «ای زوت^{۲۵} برای خشنودی اهوره مزدا... معنی کلام yaθā ahū vairiīō را برای ما آشکار ساز. بکند که راسپی^{۲۶} پاک و فرزانه معنی کلام aθā ratūš ašātciθ hacā را برای ما آشکار کند. (پورداوود، گات‌ها ۱۳۳۹: ۱۰۲)

اهونور در بغان یشت و بغ نسک

نخستین فرگرد بغ نسک، اهنور نام دارد که شامل ۲۲ بند است و با ستایش اورمزد آغاز می‌شود. بند دوم از آفرینش اهنور می‌گوید: «نخست بغان، اهنور <است>. درباره آفریدن اورمزد پیش از هر دهش، جدا از امشاسپندان، به سبب نیازمندی رسته

امشاسپند <به> سخن دین فرزانه <که در بردارنده > همه آگاهی‌ها، آسان‌ترین و خلاصه‌ترین حصار <برای> نیک رمه‌ترین پیکر <است>.

بند دوم یسن ۱۹ تصریح می‌کند که اهنور «... پیش از <آفرینش> همه هستی مادی، پیش از <آفرینش> همه خوبی‌های مزدا آفریده‌ی راست سرشت...» فراز گفته شده است.

در بند هشتم از یسن ۱۹ نیز اورمزد چنین می‌گوید: «این گفتار را، که اهومند <و> ردمند است، فراز گفته ام، پیش از آفرینش آسمان، پیش از آب، پیش از زمین، پیش از گیاه، پیش از آفرینش گاو چهارپا، پیش از آفرینش مرد پارسای دو پا، پیش از آن که خورشید در قالبش آفریده شود، پس از آفرینش امشاسپندان.» (میرفخرایی، ۱۳۸۲: ۵۰)

از مقایسه دینکرد و اوستا چنین استنباط می‌شود که آفرینش اهنور پس از آفرینش امشاسپندان، بر دیگر آفرینش‌ها مقدم است، اما اشاره بندهش با این گفتار مغایر است:

«هرمزد تن بی‌کران را از روشنی بی‌کران فراز آفرید و آفریدگان را نیز همه در تن بی‌کران بیافرید. تن بی‌کران از گذرایی زمان جداست. از تن بی‌کران "اهونور" فراز شد، مینوی "یثا‌هووئیریو" که آغاز آفرینش و فرجام آفریدگان از او آشکار <شود> باشد که دین <خوانند>، چون دین به همراه آفرینش آفریده شده است.» (بهار ۱۳۷۵: ۳۶)

در بخشی دیگر از بندهش می‌خوانیم که «هرمزد به اهریمن گفت: زمان تعیین کن تا کارزار را بدین پیمان به نه هزار سال فراز افکنیم ... پس هرمزد اهنور فراز سرود». بنظر می‌رسد نویسنده بندهش در جایی سرودن اهنور را پیش از آفرینش وای درنگ خدای (= زمان کرانمند)، و در جای دیگر پس از آن می‌داند. (بهار ۱۳۷۵: ۳۴)

علاوه بر این بندهش تصریح دارد که: «پس از <آفرینش> وای درنگ خدای، از امشاسپندان، نخست بهمن را فراز آفرید.» (بهار ۱۳۷۵: ۳۷) بند دوازدهم از یسن ۱۹ نیز، در تفسیر اهنور، نخستین آفریده را اندیشه نیک می‌داند: «این گونه <اهونور> او را، اهوره مزدا را، برای آفریدگان، که نخستین آنان اندیشه <نیک> است، تعیین می‌کند. (میرفخرایی ۱۳۸۲: ۵۱)

بنا بر زند یسن ۱۹ (بند ۱۵) اهوره مزدا، اهنور را دو بار فراز گفت، به هنگام آفرینش و به هنگام حمله اهریمن: «هرمزد برای بالندگی [برای پرورش آفریدگان] اهنور را فراز گفت و در بالندگی کمال بود [یعنی آن را پایان بود]. دوباره نیز، هنگامی که زنش (=آزار) بود [یعنی <زمانی که> اهریمن اندر تاخت]. (میرفخرایی ۱۳۸۲: ۱۱۳)

فرگرد یکم بغ نسک، اهنور را نخستین نام خاص (fradom nāmcišt) می‌داند که از دادار گرفته شده و اساس همه گفتارهای دین به است. (بند سوم و چهارم) یثاهوئیریو مینویی است که به وسیله آن فرزندی دین در میان آفریدگان رواج یابد و امشاسپندان به سبب آن، دانا و بی‌مرگ هستند. (بند ششم)

اهنور نیک سخن‌ترین (hu-saxwantom) و مؤثرترین سخنی (uxdōtəməm) است که تاکنون فراز گفته شده و خواهد شد (بند هفتم فرگرد یکم و نیز یسن ۱۹ بند ۱۰) و مردم با آموختن (hammōxtišn/saxšaēm)، بیاد آوردن (ōšmurišn / hišmārīm) و بکار بردن (warzišn) آن، روان را از دوزخ و به سبب مداومت (ēstišnīh) پیوسته آن، تن را از مرگ بپایند. (بند هشتم فرگرد یکم، نیز یسن ۱۹ بند ۱۱)

در هنگام سرودن اهنور نباید واژه‌ای دیگر بر زبان راند و نیز باید ترتیب واژه‌ها را رعایت کرد و چیزی را از آن نینداخت. بنا بر یسن ۹ بند ۱۴ زردشت نخستین کسی است که در آریاوچ چهار بار نماز یثاهوئیریو را با مراعات درنگ سرود و نیمه دوم آن را به آواز بلندتر خواند. (پورداود ۱۳۴۰: ۱۶۳)

اگر اهنور بغان بدون درنگ^{۲۷} (a-widār / anapiiūxḁa / abē-gōwišnīh) و بدون جابه‌جایی واژه‌ها (a-sūdagīhā / anapišūta / abē-sūdagīh) سروده شود، کرفه یک صد رد گاهان دارد که بدون وقفه و بی‌سودگی سروده شود. (بند نهم فرگرد یکم، نیز یسن ۱۹ بند ۵)

کسی که اهنور را که خلاصه ستوت یشت^{۲۸} (stōt-yašt) است بستاید، سرودن "یشت ناب"^{۲۹} (nāwar) است و به سبب آن روان ستاینده را سه بار از فراز پل چینود و گرودمان (pahlom axwān) بگذرانند. (بند دهم فرگرد یکم، نیز یسن ۱۹ بند ۶)

متن دعای اهنور و برگردان فارسی آن چنین است:

Yaθā ahū vairiiō aθā ratuš ašātcīt hacā vaṇhəuš dazdā manaṇhō
šiiāoθənanm aṇhəuš mazdāi xšaθrəmca ahurāi. Yim drigubiiō dadāt
vāstārəm.

«همان‌گونه که <داوری> به وسیله هستی برگزیدنی است، داوری ای <که باید>، بنا بر راستی، بر کارهای اندیشه نیک جهان <اعمال شود> به مزدا و شهریاری به اهوره واگذار می‌شود که او را به عنوان شبان برای درویشان تعیین می‌کند.»
بنا بر یسن ۱۹ اهنور که الهام شده از سوی مزدا است، پنج آموزش / حکم (panca kaēša) را در بردارد:

۱. اهوره مزدا "سرور/ هستی برگزیدنی" (ahu vairiiō) است.

۲. اهوره مزدا "رد / داور راستی" (ratuš ašāt) است.

این نیایش اهوره مزدا را اهو و رد می‌داند، بدین ترتیب او را بزرگترین همه تعیین می‌کند. (یسن ۱۹ بند ۱۲)

۳. اهوره مزدا آموزگار "اندیشه نیک" (vanəuš dazdā mananəhō) است. (یسن ۱۹ بند ۱۳)

۴. "کارهای هستی" (šīiaoθənanam aṇhəš) به اهوره مزدا واگذار می‌شود. (یسن ۱۹ بند ۱۳)

۵. "شهریاری" از آن اهوره مزدا (xšaθrəm ahurāi.ā) است. اهورنور، مزدا را برای آفریدگان تعیین می‌کند، همان‌گونه که آفریدگان را برای او؛ و شهریاری را به اهوره وا می‌گذارد. (یسن ۱۹ بند ۱۴)

در بند دوازدهم از فرگرد یکم بغ نسک اشاره شده که در گیتی، دهبند و دستور دین شایسته سروری و ردی‌اند؛ بنابراین کسی که تن را به بندگی دهد و شاگردی دستور دین دهد، نسبت به اورمزد فروتنی کرده باشد؛ چنان که نخستین آفریده (= اهورنور) کرد. زند بند دوازدهم از یسن ۱۹ عمل به این حکم را، روا کردن آموزه‌های گاهانی می‌داند.

فرگرد یکم بند پانزدهم و شانزدهم بغ نسک در تفسیر حکم سوم می‌گوید: «این نیز که مزد بهمن را از آن خویش کرده باشد، کسی که کار نیک در یاد دارد (= بیندیشد) ... به مینو از برترین امشاسپندان، بهمن، او را رهبر <است> و از این بیاموزم <که> کسی که با بهمن هم هنر است با او هم کرفته است و متناسب با کرفته هم مزد باشد.»

بخش پایانی اهورنور چنین سروده شده است: «... که او را به عنوان شبان برای درویشان تعیین می‌کند.»

مشابه این عبارت در یسن ۱۹ بند ۱۴ و نیز یسن ۵۳ بند ۹ تکرار شده است: «ای مزدا این نیرو از توست تا باشد که با آن به‌ترین را به درویشان درست زی بدهی.» (میرفخرایی ۱۳۸۲: ۵۹)

واژه "درویش" (drigu) مفهوم «پیرو راستین کیش زردشت، خداپرستی فروتن و با تقوی که هیچ نداشته و تنها به خدا توکل دارد» را می‌رساند. بنظر می‌رسد نیایش اهورنور که اعلام می‌دارد اهوره مزدا با توانایی‌ها و اراده‌اش پشتیبان و محافظ درویش است، تنها شهادت به ایمان نیست بلکه مانسری است که به‌ترین محافظت را تأمین می‌کند و پرتوان‌ترین سلاح در برابر نیروهای اهریمنی است. (بویس ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۶۰)

از این روست که اورمزد در خداوندگاری گیتی چیزی را برتر از نجات آفریدگان

درویش از یورش اهریمن (ēbgat) قرار نداد. (بند ۱۸ فرگرد یکم) و کسی که درویشان را نجات دهد، دوست سپیتمان بوده و دین را رواج داده است. (بند ۱۹ فرگرد یکم) بنا بر بند ۲۱ فرگرد نخست بغ نسک، دعای اهورنور در بردارنده دین اورمزد است با سه پیمان (θri.afsməm): «هومت، هوخت، وهورشت» و چهار پیشه (caθru.pištrəm): «آسرونی، ارتشتاری، واستریوشی و هوتخشایی» و پنج ردی (panca.ratu): «مانبدی، ویسبدی، زندبدی، دهبدی و زردشتوم (= زردشت تریبی)» و خلاصه آیین که رادی خدای نیک است. بندهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از یسن ۱۹ نیز همین مضمون را دارند.

خلاصه سخن این که اهورنور نخستین کلامی است که به وسیله اورمزد همه آگاه، قبل از آفرینش مادی سروده شد تا به کمک رمز و رازی که در آن نهفته است آفرینش پاک اورمزد را از هجوم اهریمن زدارکامه در امان دارد و در دوران آمیختگی، مرد اشو را در نبرد با دیوان و دروجان یاری رساند. گرچه این نیایش در گاهان نیامده، ولی به سبک اوستای کهن سروده شده است. یسن نوزدهم و زند آن در تفسیر اهورنور نکاتی ارزنده را ارائه می‌دهد. در متون مختلف پهلوی، بویژه دینکرد هفتم و نهم، بارها به تقدس این دعا اشاره شده است. اهورنور اساس همه گفتارهای دین مزدیسنی است که به وسیله آن فرزادگی در میان آفریدگان رواج می‌یابد. این نیایش با تأکید بر داوری و ردی اورمزد، سروری او را بر جهان بر مبنای راستی و اندیشه نیک اعلام می‌دارد و به گفته دینکرد، اورمزد این سروری را به کسی ارزانی می‌دارد که نجات دهنده درویش راستزی و پرهیزکار باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. sūdgar nask
2. warštmānsar nask
3. bay nask
4. bayān yašt
5. yaθā ahū vairiō
6. ašəm vohū
7. yenhē hātām
8. Darmesteter
9. Wolf
10. Reichelt
11. Kellens
12. Humbach
13. Geldner
14. Dhabhar
15. Madan

16. Sanjana

۱۷. برای نسک‌های اوستای ساسانی ← پورداوود ۱۳۷۸: ۴۰۲ و ۴۰۳؛ دارمستتر ۱۳۴۸: ۱۱۷-۱۲۰

۱۸. بنا بر سودگر نسک (فرگرد نخست بند یکم) یثاهوئیریو سر ششش دانش است. (تفضلی ۱۳۴۵: ۳) روایات داراب هرمزدیار الفاظ آن را بیست و یک بر می‌شمارد که ششش قسمت است و هر یک از قسمت‌ها علمی را ذکر کرده و شرح داده است که اول و بالاتر علومند و از این دانسته شود که جمله علوم دینی در صفت یثاهوئیریو حاصل است. (اونوالا ۱۹۲۲: ۱۳۱)

۱۹. ظاهراً نویسنده وزیدگی‌های زادسپرم برای این که کتاب دین را با اهنور هماهنگ کند هفت‌ها را نیز ششمین بخش گاهان نامیده است، در صورتی که در هیچ جای دیگر در ردیف گاهان نیامده است. (راشد محصل، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

۲۰. اشاره به نخستین واژه‌های یسن ۲۸ (yānīm manō) و یسن ۵۴ (ā airiimā) دارد.

۲۱. "وای" تجسمی است از فضا و نیز از باد. او یکی از اسرارآمیزترین خدایان هند و اروپایی است. "وای بد" یا استویهاد، دیو مرگ است و زندگی را از میان می‌برد. او در بخش زیرین خلأ میان جهان روشنی و تاریکی فرمان می‌راند. (بهار ۱۳۷۵: ۴۰)

۲۲. نخستین بخش از دینکرد نهم

۲۳. در مراتب و مکان‌های خواندن یثاهوئیریو پورداوود ۱۳۸۰: ۴۹ و ۵۴؛ روایات داراب هرمزدیار ۱۹۲۲ ج ۱: ۱۳ و ۱۴-ج ۲: ۲۸۰ و ۲۸۱؛ شایست نشایست ۱۳۶۹: ۲۳۷-۲۴۰؛ روایت پهلوی ۱۳۶۷: ۱۸

۲۴. در آغاز هر یک از پنج گاه، نماز خشنومن برای خشنودی اهوره مزدا، امشاسپندان، گاهان، فروهرهای نیکان و پوریوتکیشان سروده می‌شود. این نماز جزء گاهان شمرده نمی‌شود. (پورداوود ۱۳۷۸: ۱۰۲)

۲۵. نخستین موبد در رأس هفت موبد برگزار کننده مراسم دینی است که مراسم یزش را به جای می‌آورند.

۲۶. موبدی است که زوت را در خواندن یسنا همراهی می‌کند.

۲۷. به ترتیب از چپ به راست، واژه‌های دینکرد، اوستا و زند

۲۸. استوت یشت (staota yesnya) اصطلاحی است که به بخشی از یسنا اطلاق می‌شود و دارای

۳۳ فصل است، ۲۲ فصل آن جزء گاهان است و سه نمار یثاهوئیریو، اشم وهو و ینگهه

هاتام در این قسمت وارد است که به نظم سروده شده و به سبک گاهانی است. ۱۱ فصل

دیگر به نثر و اوستای جدید است. (دارمستتر ۱۳۴۸: ۱۱۰) در تقسیمات سه گانه اوستا،

استوت یشت در رأس هفت نسک گاهانیک قرار دارد. (پورداوود ۱۳۷۸: ۴۰۳) نام نسک

اول از ۲۱ نسک اوستا ستوت یشت است. آن کتاب ۳۳ کرده دارد و صفت خدای و

فرشتگان در آن است. (اونوالا ۱۹۲۲: ۹)

یشت نابار (nava-bara) مراسم پاگشایی موبد است و اصطلاحاً به کسی که بتازگی واجد شرایط انجام دادن مراسم نیایش برای ایزدان و تقدیم هدایا به آن‌ها شده است، اطلاق می‌شود. برای این که شخص به مقام موبدی برسد، باید مراحلی را بگذراند که سرآغاز آن‌ها بشمار می‌رود. در یک ماهی که گذراندن این مراسم بطول می‌انجامد، شخص با بریدن از تعلقات دنیوی و انزوا گزیدن و ساده زندگی کردن، نفس خود را تزکیه می‌کند تا برای رسیدن به مقام موبدی آماده شود. برای آگاهی بیشتر از این مراسم ← Modi, 197-204. در یسنای پهلوی (های ۹ بند ۱۴ و های ۱۹ بند ۶) پاداش یشت ناور بیا سرودن اهونور برابر دانسته شده است. (میرفخرایی ۱۳۹۰: ۳۷۴)

کتاب‌نامه

۱. آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۵۰)، زبان پهلوی و ادبیات آن، تهران، معین.
۲. آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۸۴). اسطوره زندگی زردشت. چاپ ششم. تهران، نشر چشمه.
۳. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵)، راهنمای زبان‌های باستانی ایران، ج ۱، تهران، سمت.
۴. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳)، شعر در ایران پیش از اسلام، تهران، طهوری.
۵. بویس، مری (۱۳۷۴)، تاریخ کیش زردشت، ج ۱، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، توس.
۶. بهار، مهرداد (۱۳۷۵)، پژوهشی در اساطیر ایران، پاره نخست و پاره دوم، تهران، نشر آگاه.
۷. پورداوود، ابراهیم (۱۳۱۰)، خرده اوستا، جزوی از نامه مینوی اوستا، بمبئی.
۸. پورداوود، ابراهیم (۱۳۴۰)، یسنا، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات دانش‌گاه تهران.
۹. پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۸)، گات‌ها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۰. تفضلی، احمد (۱۳۴۵-۱۳۴۴)، تصحیح و ترجمه سوتگرسنک و ورشت مانسرنسک از دینکرد نهم، رساله دکتری، دانش‌گاه تهران.
۱۱. تفضلی، احمد (۱۳۵۴)، مینوی خرد. تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن.
۱۳. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۲)، سروش یسن، تهران، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵)، وزیدگی‌های زاندسیرم، تهران، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۹)، دینکرد هفتم، تهران، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. رحیمی ایمن، منظر (۱۳۶۹)، «اهونور برگردان زند یسن نوزدهم»، فرهنگ، کتاب ششم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، صص ۲۴۳-۲۵۹.
۱۷. دارمستتر، جیمز (۱۳۴۸)، تفسیر اوستا و ترجمه گاتاها، ترجمه موسی جوان، تهران، چاپ‌خانه رنگین.